

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۳۰ جون ۲۰۱۵

روزنامه نگاران و جنگ

Les journalistes et la guerre

با توجه به این امر که روزنامه نگاران در خدمت صلح هستند، شورای امنیت قطعنامه ای برای حفاظت از آنها در مناطق جنگی با توافق عمومی به تصویب رساند. با این وجود دو هفته بعد وزارت دفاع ایالات متحده موازینی برای بازداشت حرفه نی های رسانه ها که به فعالیت جاسوسی می پردازند منتشر کرد. از دیدگاه تی یری میسان این اقدامات می تواند علیه روزنامه نگاران کشورهای عضو ناتو به کار بسته شود.

ولتر شبکه/ دمشق (سوریه) ۲۹ جون ۲۰۱۵



۲۷ می ۲۰۱۵، شورای امنیت قطعنامه ۲۲۲۲ در مورد حفاظت از روزنامه نگاران در مناطق جنگی را به تصویب رساند، ولی قطعنامه با توافق عمومی به این علت به تصویب رسید که به چگونگی روند حرفه روزنامه نگاری در دوران تلویزیون های جهانی شده و جنگ نسل چهارم پاسخ نمی گوید.

بحث و جدل شورای امنیت در ۲۷ می گذشته در مورد حفاظت از روزنامه نگاران در مناطق جنگی هیچ موضوعی را روشن نکرد [1]. دیپلمات ها کشورهای مختلفی را به قتل یا تسهیل قتل روزنامه نگاران متهم کردند، بی آن که چگونگی «روزنامه نگاری» را مورد بررسی قرار دهند که می تواند پوششی باشد برای فعالیت های مختلف، به انضمام جاسوسی، خرابکاری یا تروریسم.

تا کنون، روند بر این اساس بود که برای استفاده از موازین حفاظتی روزنامه نگار می بایستی:

(۱) کارت گواهی نامه روزنامه نگاری که از سوی مقامات ذی صلاح و یا بنگاهی که برای آن کار می کند را در اختیار داشته باشد.

(۲) در جنگ شرکت نداشته باشد.

(۳) سانسور نظامی را نقض نکند.

شگفت آوری آخرین شرط را مشاهده می کنیم که برای حفاظت از اسرار نظامی پیشبینی شده، ولی برای استتار تبلیغات و جنایات جنگی به کار بسته می شود.

علاوه بر این، ما بر این باور بودیم که سربازانی که به عنوان روزنامه نگار برای رسانه های نظامی یا روزنامه های غیر نظامی کار می کردند و با نیروهای نظامی راهی مناطق می شدند نباید از امتیازات روزنامه نگار برخوردار شوند، زیرا سرباز بوده و از امکانات سرباز برخوردارند.

با یادآوری قتل قومندان احمد شاه مسعود توسط دو روزنامه نگار، ایالات متحده نتیجه گرفتند که این حرفه می تواند به عنوان پوشش برای فعالیت تروریستی مورد سوء استفاده قرار گیرد. نمونه نزدیکتر، شهروند بریتانیایی عمر حسین بود که به امارات اسلامی پیوست و با نام جعلی ابو اولاکي Abu Awlaki مقاله هایی در مدح زندگی زیر پرچم داعش منتشر کرد. با این وجود، این گونه روزنامه نگاران وابسته که در جنگ شرکت دارند بسیار ناچیز و حاشیه ئی هستند. مسأله اصلی در جای دیگری است. مسأله اصلی در خود رسانه های جهانی شده و جنگ نسل چهارم (4GW) قابل مشاهده و بررسی می باشد.

رسانه های سراسری

تا سال ۱۹۸۹ رسانه ها ملی بودند. در نتیجه مخاطب تبلیغات تنها می توانست جبهه خودی باشد. البته می توانستند با هواپیما اعلامیه پخش کنند یا با امواج کوتاه رادیویی برنامه اجرا کنند، ولی فرستنده همیشه به عنوان دشمن تلقی می شد.

در سال ۱۹۸۹، یک تلویزیون محلی ایالات متحده، CNN ناگهان به یمن ماهواره ها به تلویزیون سراسری تبدیل شد. تغییر وضعیت این تلویزیون — دیگر «امریکائی» نبود — بی طرف بودن آن را در منازعات تضمین می کرد. سی ان ان خود را به عنوان رسانه «خبری دائمی» معرفی کرد و سقوط چائوشسکو را مستقیماً پی گیری نمود. پخش مستقیم رویدادها از دیدگاه تئوریک می بایستی مانع تحریف و بازتولید مصنوعی حقیقت شود.

ولی آنچه روی داد کاملاً عکس این ادعا بود. هیأت دبیره سی ان ان قاطعانه از سال ۱۹۹۸ تحت نظارت یک قطعه نظامی «قطعه عملیات روانشناسی ارتش ایالات متحده» l'United States Army's Psychological Operations Unit مستقر در دفاتر آن می باشد. رویدادها مورد توجه قرار نگرفت، ولی نمایشی به کارگردانی سازمان سیا و پنتاگون در صحنه رسانه ئی به نمایش گذاشته شد. به عنوان مثال، گور جمعی که در تیمیشوارا (در رمانی) کشف شد را به یاد می آوریم. تصاویر اجساد بیش از ۴۵۰۰ جوان [2]، که خونشان را گرفته بودند و یا در تظاهرات کشته شده بودند، و گزارش کردند که... زیرا دیکتاتور کارپات ها به سرطان لوکمی مبتلا شده بود و به خون نیازمند بوده. خبر کشف این گور جمعی در سراسر جهان پخش شد. صورت اجساد را با اسید از بین برده بودند تا قابل شناسائی نباشند. چنین مواردی پرونده ای را تشکیل می داد که برای اثبات جنایات هولناکی که گوئی چائوشسکو «دراکولای رومانیائی» به مردم خودش تحمیل کرده کافی به نظر می رسید [3]. ولی بعدها آشکار شد که این اجساد را از گورستان شهر بیرون کشیده بودند.

با پخش همزمان گزارش از وقایع تحریف شده در تمام جهان، رسانه های سراسری به آن ظاهری واقعی بخشیدند. آنچه نیروی این سم پاشی را تقویت کرد، به این علت بود که رسانه های جبهه شوروی، در مجارستان، و المان شرقی را متقاعد ساخته بود به شکلی که آنها نیز این گزارشات را پخش کردند. در نتیجه اصلیت وقایع (البته در اشکال تحریف شده) توسط هم پیمانان رومانی به رسمیت شناخته شده بود. به همین علت نیز هست که می بینیم قدرت های بزرگ برای ایجاد شبکه های سراسری اخبار دائمی با یکدیگر در رقابت به سر می برند.

از سوی دیگر، نظریه ای که می گوید «روزنامه نگاران در محل وقایع حضور دارند تا آنچه را که می بینند گزارش دهند» و یا «پخش مستقیم از تحریف وقایع جلوگیری می کند» خیلی ساده انگارانه و حتی مسخره به نظر می رسد. به عکس، روزنامه نگاران شاهدان عادی رویدادهایی که زیر چشمانشان رخ می دهد نیستند و نباید باشند، روزنامه نگاران در واقع تحلیل گرانی هستند که باید حقیقت را در فراسوی ظاهر رویدادها کشف کنند. روزنامه نگاران در خدمت چنین هدفی هستند، به شکلی که مفهوم «اخبار دائمی» (به مفهوم وقایعی که بی وقفه فلم برداری شده) نفی کار و نفی کارکرد روزنامه نگاری خواهد بود. روزنامه نگاران باید دائماً رویدادها را با یکدیگر تلاقی دهند، تجزیه کنند، بازرسی کنند، رویدادها را در متن تاریخی، اجتماعی فرهنگی و غیره قرار دهند و به تحلیل و تعبیر آن پردازند... و یا این که به هیچ دردی نمی خورند. تحریفاتی مانند گور جمعی در تیمیشوارا، ناتو دائماً در حال تولید این نوع گزارشات تحریف آمیز طی جنگ های یوگوسلاوی، عراق، افغانستان، عراق و به همین گونه طی جنگ لیبیا و سوریه بوده است [4].

ضمیمه سازی روزنامه نگاران جنگی

با این وجود در سال ۱۹۹۲ یک گام دیگر برداشته شد. می دانید که از این تاریخ به بعد ایالات متحده و ناتو پیوسته در گوشه ای از جهان در حال جنگ بوده اند. طی این لشکر کشی ها گروهی از روزنامه نگاران برای پوشش دادن به چنین رویدادهایی در متن جنگ های معاصر تشکیل شد. کمی بیش از صد نفر از آنها با شتاب به بوسنی رفتند، سپس راهی بغداد، کابل و یا طرابلس شدند، و به این ترتیب به مخالفان غرب اجازه حرف زدن دادند. ولی نه تنها چند نفر از بین آنها، بلکه تقریباً تمام آنها به همکاران دائمی سرویس های مخفی ناتو تبدیل شدند. و اگر این روزنامه نگاران از نتایج بمباران متفقین روی مردم غیر نظامی گزارشی منتشر کرده اند، تنها به این علت بوده که به سرویس های اطلاعاتی ناتو اجازه دهند تا هدف گیری هایشان را دقیقتر تنظیم کنند. از این وصف چنین روزنامه نگارانی را باید به عنوان مأمور اطلاعاتی تلقی کنیم — و نه روزنامه نگار.

این موضوعی بود که من طی جنگ لیبیا دائماً مطرح می کردم که موجب شرمساری حرفه روزنامه نگاری بود. با این وجود، این موضوع را سرانجام وقتی عملیات به پایان رسید جنرال کانادایی شارل بوشار Charles Bouchard تأیید کرد. در آنتن رادیو کانادا، جنرال بوشار اعلام کرد که ستاد فرماندهی ناتو در ناپل به مدد «گزارشاتی را که از بسیاری منابع دریافت می کرد از جمله رسانه هایی که در محل حضور داشتند و بسیاری از اطلاعات در مورد نیت ها و مکان استقرار نیروهای زمینی» وضعیت را تحلیل می کرد.

http://www.voltairenet.org/IMG/mov/20111031_Entrevue_avec_le_lieutenant-g_n_ral_Cha.mov

مصاحبه با جنرال بوشار، ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۱، در رادیو کانادا (به زبان فرانسه)

برای تبلیغ پیرامون اسطوره «انقلاب دموکراتیک» ناتو در سال ۲۰۱۲ یک دهکده شاهد در سوریه را صحنه پردازی کرد. دولت نخست وزیر ترکیه برای انتقال روزنامه نگارانی که درخواست می کردند وسیله نقلیه تدارک دیده بود.

روزنامه نگارانی که به این دهکده می رفتند می توانستند تظاهرات را فلم برداری کنند و نتیجه بگیرند که تمام سوریه به همین شکل قیام کرده است.

ولی ارتش عرب سوریه نیز برای کسب اطلاعات در مورد پشتیبانی های متفقین نزد شورشیان روزنامه نگار می فرستاد (البته نه روزنامه نگار سوریه).

علاوه بر این، در این هفته وزارت دفاع ایالات متحده در رساله حق جنگ این موضوع را کمی بیشتر روشن می سازد، و می گوید که سیر تحولی جنگ موجب شده است که برخی روزنامه نگاران در واقع به سرباز تبدیل شوند [5]. با به کار بستن چنین شیوه ای، وزارت دفاع این خطر را به عهده می گیرد که اغلب روزنامه نگاران جنگی غربی به عنوان «طرف دعوی بی امتیاز» هستند، یعنی گروهی خاص که خود وزارت دفاع ایجاد کرده و آنها را از حق برخورداری از منشور ژنیو محروم ساخته است. در جنگ بعدی این سرنوشت می تواند در انتظار الجزیره، العربیه، بی بی سی، سی ان ان، کوریر دلا سرا، فوکس نیوز، فرانس ۲، فرانس ۲۴، لوموند، لیبراسیون، نیویورک تایمز، اسکای نیوز، واشنگتن پست و غیره باشد. من آنهایی را که شناسائی کرده بودم یادآور شدم.

ویدئوهای تقلبی در گزارشات روزمره

در سال ۲۰۱۱ باز هم یک گام بیشتر برداشته شد، و با استفاده از ویدئوهای تخیلی در استودیوی فضای باز در قطر، و انتشار آن در گزارشات روزمره تلویزیونی. اوج این رسانه دروغ تصاویر ساختگی از سقوط طرابلس و ورود شورشیان به میدان سبز بود که ابتداء در فوکس نیوز پخش شد و سپس در تمام تلویزیون های آتلانتیست و خلیج (فارس). یعنی سه روز پیش از آن که تخیل به واقعیت تبدیل شود.

این موضوع قویاً از سوی ناتو مردود اعلام شد، ولی بعداً رئیس شورای ملی موقت، مصطفی عبدالجلیل در میکروفون فرانس ۲۴ به زبان عرب تقلبی بودن ویدئو را تأیید کرد.

در حالی که ایالات متحده با روسیه در مورد تقسیم احتمالی خاورمیانه بزرگ مذاکره می کرد، در جون ۲۰۱۲ ناتو در این فکر بود که از این فن آوری یعنی تهیه ویدئوهای تقلبی برای درهم شکستن مقاومت سوریه استفاده کند و قدرت را تصاحب کند. واشنگتن تلویزیون ماهواره ئی سوریه «عرب سات» را قطع کرد و بر آن بود که آنها را در نیل سات نیز به دام بیندازد. مجموعه ای از شبکه های آتلانتیست (ال عربیه، ال جزیره، بی بی سی، سی ان ان، فوکس، فرانس ۲۴، فوتور تی وی، ان تی وی) برای استفاده از تصاویر سقوط جمهوری عرب سوریه و تصاویر سنتز که رئیس جمهور اسد را در حال فرار نشان می داد، تماماً تهیه شده در استودیوی قطری، خودشان را آماده کرده بودند [6]. سیگنال شبکه های تقلبی سوری روی عرب سات از سوی NSA در استرالیا فرستاده شد. با این وجود پیش از گردهمایی ژنیو ۱ به دلیل اعتراضات بین المللی این طرح عملیاتی متوقف شد.

قوانین تبلیغات پیوسته همان است که بود

چنین ساخت و سازی به این معنا است که گسترش فن آوری موجب دگرگونی در فن آوری در زمینه تبلیغات نمی شود. چنین ساخت و سازی روی دو اصل بنیانگذاری شده:

- (۱) با تکرار بی وقفه، یک دروغ شاخدار به حقیقتی انکار ناپذیر تبدیل می شود.
- (۲) متقاعد کردن افرادی که هدف دروغ پردازی بوده اند کافی نیست، باید کاری کرد که آنها نیز از این دروغ تبلیغاتی دفاع کنند. برای دست یابی به چنین هدفی به هر وسیله ای باید آنها را مجبور کرد — اگر شده حتی برای یک بار — تا

به آن چیزی که هنوز دروغ می‌پندارند اعتراف کنند (تبلیغ کنند). احترام به خویشتن مانع از این می‌شود که گذشته را به یاد آورده و تحریف را افشاء کنند.

به عنوان مثال، وقتی سرویس‌های مخفی بریتانیایی گزارش دادند که جمهوری عرب سوریه از روی بالگرد بشکه‌های مواد منفجره روی سر شهروندان سوریه پرتاب کرده است، شما آن را باور نکردید. در سوریه، وقتی به رئیس‌جمهور بشار اسد سرزنش می‌کردند که برای حفظ جان شهروندان مانع عملیات نظامی علیه جهاد طلبان شده، باز هم باور نکردید. چنین اتهامی پوچ است خصوصاً به این علت که ارتش بمب‌های خیلی مؤثرتری در اختیار دارد که روسیه به سوریه تحویل داده است. با این وجود، طی یک سال تکرار روزمره، این دروغ شاخدار چه در غرب و چه در خود سوریه به عنوان حقیقتی انکار ناپذیر جلوه کرد و در اذهان عمومی جا افتاد. گرچه ارتش سوریه در حلب از بالگرد استفاده نمی‌کند، زیرا جهاد طلبان موشک‌های زمین به هوا در اختیار دارند، با این وجود چنین واقعیتی مانع رسانه‌ها نشد تا با «شاهدان عینی» در مورد پرتاب بشکه‌های انفجاری از روی بالگرد مصاحبه تهیه نکنند.

ساخت و ساز چنین است که روزنامه‌نگاران نمی‌خواهند بپذیرند که فریب خورده‌اند و به عامل تبلیغات تبدیل می‌شوند و به سهم خودشان آن چیزی را که از همان آغاز به کذب بودن آن آگاه بودند به عنوان واقعیت انکار ناپذیر تکرار می‌کنند. عملاً، حرفه‌ئی‌هایی که فکر می‌کنند حسن نیست دارند، از صرف و نحو رایج استفاده کرده و در پخش و انتشار دروغ می‌کوشند.

ضمیمه سازی رسانه‌ها در هنر جنگ

گرچه سرانجام تصاویر تقلبی برای بازنمایی فرار رئیس‌جمهور بشار اسد در سوریه به نمایش گذاشته نشد، ولی ناتو فن آوری جدیدی در زمینه رزمی ابداع کرد: که عبارت است از جنگ نسل چهارم (4GW).

جنگ نسل اول، متشکل از خط و ستون است، مانند جنگ‌های قرن هفدهم. ارتش قویاً بر اساس سلسله مراتب بوده و به کندی پیشروی می‌کند. ولی این نظم و ترتیب با ورود سلاح‌های گرم ناکارآمد شد و باطل گردید.

جنگ نسل دوم، خط و آتش است، مثل جنگ اول جهانی. این نوع جنگ نیز در سنگر و چاله مدفون شد.

جنگ نسل سوم، نفوذ در خطوط دشمن و دفاع در عمق بهره‌می‌برد. این نوع جنگ مستلزم شرکت عمومی مردم و شهروندان غیر نظامی بود. مثل جنگ دوم جهانی. ولی این ساخت و ساز نیز با پیشرفت در زمینه فن آوری نظامی و یون دب اختراع بمب اتمی دوام نیاورد.

جنگ نسل چهارم، جنگی است که به شکل نیابتی علیه کشورهایی که در دور دست‌ها واقع شده‌اند راه اندازی می‌شود و گروه‌هایی را که به هیچ دولتی وابسته نیستند و هیچ‌گونه مسؤولیت دولتی نیز ندارند به این مناطق گسیل می‌کنند، مثل دوران جنگ سرد با ایجاد شورش‌های تقلبی یا حقیقی.

در این نوع جنگ که به هر ج و مرج عمومی شباهت دارد، پتناگون رسانه‌هایی را به عنوان قطعه رزمی به سالون ستاد فرماندهی‌اش ضمیمه کرده است. این نکته را باید به یاد داشته باشیم که رسانه‌ها تحول یافته‌اند. رسانه‌ها از این پس شرکت تعاونی نیستند، بلکه شرکت‌های سرمایه‌داری هستند با کارمندانی که هر آن می‌توانند از یون دب‌ها. موضوع تنها به صد نفر گزارشگر جنگی که به شکل «یون دب» عنوان جاسوس و مأمور اطلاعاتی فعالیت دارند منحصر نیست، بلکه موضوع مشخصاً به رسانه‌هایی باز می‌گردد که مجموع کارمندان و امکانات خودشان را در اختیار ارتش‌ها قرار می‌دهند.

موضوع مهم در این نکته نیست که روزنامه‌نگاران اطلاعاتی نظامی تهیه می‌کنند یا به سم‌پاشی مبادرت می‌ورزند. کار آنها، حتی بی‌عیب و ایرادترین آنها در مجموعه‌ای عرضه می‌شود که در یون دب جنگ است. وضعیت از این

هم بدتر است، زیرا نیک اندیش ترین آنها به عنوان پرده استتار برای آنهایی که جاسوسی می کنند به کار برده می شود و سرانجام در گسترش دروغ رسانه شرکت دارد.

به طور مشخص، تصویب قطعنامه ۲۲۲۲ با رأی موافق تمام اعضا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به این علت بود که به سیر تحولی حرفه روزنامه نگاری پاسخ نمی گوید.

یادداشت ها:

[1] « [Résolution 2222 et débats \(journalistes en zones de conflit\)](#) », Réseau Voltaire, 27 mai 2015.

[2] “Mass Graves Found in Rumania ; Relatives of Missing Dig Them Up”, Associated Press, December 22, 1989.

[3] «Les vautours de Timisoara», par Serge Halimi, *La Vache folle*, août 2000.

[4] « [L'effet CNN](#) », cours de Thierry Meyssan à l'Accademia Nazionale della Politica (Italie), Réseau Voltaire, 19 mai 2003.

[5] [Law of War Manuel](#), US Defense Department, June 2015.

[۱] “جنجال جدید رسانه‌ئی ناتو علیه سوریه در راه است، ”به وسیله تی یری میسان شبکه ولتر، ۱۳ جون ۲۰۱۲
www.voltairenet.org/article187995.html

<http://www.voltairenet.org/article187995.html>